



سخنرانی در دیدار گروه کثیری از آزادگان، در اولین سالگرد آزادی و بازگشت به کشور - 28 / مرداد / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه‌ی شما برادران بسیار عزیز حاضر در این جلسه، که افتخار گذراندن يك دوره‌ی دشوار امتحان را کسب کردید، خوش آمد عرض می‌کنم و اخلاص و ارادت قلبی خودم را به یکایک شما عزیزان ابراز می‌کنم و فرصت را نیز مغتنم می‌شمارم و از همین جا به آحاد آزادگان سراسر کشور - این قهرمانان زنده‌ی انقلاب و نظام اسلامی - ارادت و اخلاص خودم را ابراز می‌دارم و به خانواده‌های آنها، که سختی این دوران مشقتبار را با صبر و توکل تحمل کردند، سلام می‌فرستم. همچنین به یکایک بسیجیان این کشور و آحاد مخلص و مبارز امت حزب الله، که شوق اول و هدف والای آنها، حفظ نظام اسلامی و جلب رضایت الهی است، عرض سلام می‌کنم.

يك سال از آن روزها گذشت؛ روزهایی که ملت ما چهره‌های رنج‌دیده و تن‌های زجرکشیده‌ی شما را پس از سالها مفارقت در آغوش گرفت و شما سربازان پیشرو و پیشقراول ملت ایران، مجدداً به امواج متلاطم این اقیانوس عظیم پیوستید و به قلب اردوگاه اسلام بازگشتید. روز شادمانی مردم ما و روز عیدی ولی عصر (ارواحنا فداه) به ملت ایران و روز نشان دادن قدرت خدا به دیرباوران، روزی بود که شما به آغوش ملت و میهن برگشتید. این روز را ما باید همیشه گرامی بداریم و آن را تجدید خاطره کنیم و از آن درس بگیریم.

چه بسیار هدفهای دور از دسترس، که انسان فکر می‌کند دسترسی به آنها بسیار مشکل است؛ اما با توکل و صبر و مقاومت، به آن هدفها دست می‌یابد؛ مثل آزادی شما که از جمله‌ی همین چیزها بود. البته هنوز شادی ما کامل نیست و هنوز زخم دل ما به‌طور کامل التیام نیافته است؛ زیرا هنوز بخشی از پیکر این ملت در اسارت است. هنوز همه‌ی پاره‌های تن این ملت برنگشته‌اند و دقیقاً نمی‌دانیم که چه تعدادی در آن جا هستند؛ اما یقیناً تعدادی از عزیزان ما هنوز در همان شرایط سخت و شاید هم سخت‌تر - به خاطر توحش دشمن و خشم او از ملت ایران - قرار دارند، که ما وظیفه داریم موضوع را دنبال کنیم و هرگز از یاد نبریم. برای برگرداندن این دسته از عزیزان، هر کاری بتوانیم انجام دهیم، وظیفه‌ی شرعی و انسانی ماست و باید بکنیم و مسؤولان موظفند که همه‌ی تلاش خود را به کار بگیرند، شاید ان شاء الله ما چهره‌های مظلوم دیگری را که هنوز در بندند، به آغوش ملت برگردانیم.

يك سال گذشت. این يك سال، برای یکایک من و شما يك درس بود و هست. شما ببینید از سال گذشته، همین روزها که شما بتدریج وارد کشور می‌شدید، اوضاع منطقه چه تحولات و چه تلاطمهایی را به خود دید؛ چه آتش افروخته‌یی در منطقه‌ی خلیج فارس به وجود آمد؛ چه انسانهای مظلومی از آحاد ملت عراق، یا به وسیله‌ی متجاوزان غربی و امریکایی و غیره، یا به وسیله‌ی خون‌آشامان بعثی، در زیر باران آتش و گلوله از بین رفتند و یا عزیزانشان را از دست دادند؛ رژیم متجاوز و متجاسر و مستکبر امریکا در این يك سال چه کرد؛ رژیم سبکسر و ابله و جاه‌طلب عراق در این يك سال چه کرد؛ مردم عراق و آوارگان چه کشیدند، ما چه کشیدیم، منطقه چه سختیهایی را تحمل کرد.

جنجالی کردند، قدرت‌طلبی‌یی بخرج دادند و بعد در مقابل هجوم نیروهای اردوگاه استکبار، مثل موشی به سوراخ خزیدند و برای حفظ جان و موقعیت و سلطنت خودشان، تسلیم زورگوییهای امریکا شدند و عوضش را سر ملت خود



درآوردند! هم ملت عراق ضرر کرد، هم منطقه ضرر کرد، هم عراق ویرانه شد، هم کشورهای اسلامی در مقابل یکدیگر قرار گرفتند، و بدتر و خطرناکتر از همه‌ی اینها، امریکا در منطقه احساس قدرت کرد و پایش را وسط گذاشت و شروع به عربده‌کشی و مبارزطلبی کرد. این خسارات ناشی از چیست؟ ناشی از بی‌ایمانی و بی‌دینی و هوی‌پرستی و خودپرستی جمعی است که سرنوشت یک ملت به دست آنهاست.

ببینید انسانیت چه قدر برای اسلام قیمت دارد. ببینید اگر یک جو ایمان به خدا و کار برای خدا در دل آن سردمداران بی‌انسانیت و بی‌ایمان بعثی بود، وضع چه‌طور غیر از این می‌شد که شد. ببینید خسارت بی‌ایمانی و خودخواهی برای بشریت چه قدر است.

عزیزان! این، یک درس است. من و شما دائماً در معرض همین خودخواهی هستیم. شیطانی که در درون ماست، دائماً ما را امر به بدی و دشمنی و خودخواهی و فساد می‌کند. اگر انسانی نتواند آن شیطان درونی را سرکوب کند، ضایعه‌اش فقط به خود او برنمی‌گردد؛ ممکن است به یک خانواده، به مردم یک شهر، به یک ملت، یا به یک منطقه برگردد؛ همچنان که در مورد این حوادث اخیر دیدید که برگشت. یک رژیم خودخواه بیگانه‌ی از مفاهیم الهی و انسانی، برای جاه‌طلبی کاری می‌کند که کفاره‌اش را نه فقط ملت عراق، بلکه باید ملتهای منطقه پس بدهند.

درس دوم در این حادثه این است که ملت ما بفهمد و یکایک جوانان ما و نفوس بیدار و وجدانهای زنده‌ی شما درست توجه کند که چگونه توطئه‌هایی علیه امت اسلام هست. ببینید امروز درباره‌ی فلسطین چه می‌کنند و چه خوابی برای این ملت، و در حقیقت برای منطقه دیده‌اند. این هم تا حدود زیادی ناشی از همان حوادث یک سال اخیر است.

امریکا همین که توانست در این منطقه با تانک و توپ و ناو جنگی و بمباران و این‌گونه وسایل، یک قدرت عربده‌جویانه برای خود دست‌وپا کند، فوراً سراغ قضیه‌ی اصلی منطقه - یعنی قضیه‌ی فلسطین - رفت و به طمع افتاد و چنین تصور کرد که چون دولتهای ضعیف‌النفوس منطقه، خودشان را مدیون و زیر بار منت او می‌دانند - زیرا خطر رژیم عراق را از آنها دفع کرده است - وقت آن است که در این میان استفاده کند و آرزوی همیشگی استکبار در این سالهای اخیر را تحقق ببخشد. آن آرزو چیست؟ آن آرزو این است که آرمان فلسطین را پیش پای صهیونیستهای غدار قربانی کند و سر ببرد. این کار را می‌خواهد بکند و دارد می‌کند؛ که امیدواریم با غیرت امت اسلام و جوانان مسلمان فلسطین، به این خیانت بزرگ موفق نشود.

ببینید چه‌طور استکبار با چنگ و دندان و با حالت خونخوارانه و بدون اندکی انسانیت و رحم ایستاده است، تا اگر بتواند، برای خواستههای استکباری خود، ملتهای اسلامی و آرزوهای آنها را لگدمال کند. امروز این قضیه‌ی فلسطین، یکی از بزرگترین مسائل و مصایب دنیای اسلام است و در آینده نیز خواهد بود. مگر شوخی است که ملتی را از خانه و زندگی و کشور و سرزمین خود آواره کنند، غاصب مزدور خبیثی را آن‌جا بنشانند، همه‌گونه به او کمک کنند، همه‌ی جنایات او را صحنه بگذارند، دستشان تا مرفق در خون مردم منطقه فرو برود، به اینها هم قانع نباشند، بخواهند از مسلمانان و از صاحبان خانه امضاء بگیرند که این خانه متعلق به آن غاصب است و صاحب‌خانه در آن حقی ندارد؟! می‌خواهند این کار را بکنند.

آیا جوانان غیور فلسطینی مرده‌اند؟ آیا جوانان کشورهای اسلامی هم‌جوار فلسطین و دیگر کشورهای اسلامی



مرده‌اند که دشمنان بخواهند بزرگترین مسائل جهان اسلام را این‌طور راحت به سود خودشان و به زیان امت اسلامی حل کنند؟ این چه سکوتی است که امروز در دنیای اسلام هست؟ تا چند سال قبل از این، مگر کسی در دنیای اسلام جرأت می‌کرد سخن از گفتگو با دولت غاصب اسرائیل بر زبان بیاورد؟ يك نفر خائن - آن طاغوت مصری (1) - جرأت کرد و اقدام نمود و بعد از اندکی سزای عمل خودش را هم دید.

امروز قضیه را به صورت يك قضیه‌ی ساده مطرح می‌کنند. آن طرف قضیه امریکا است که می‌گوید بیا باید با صهیونیستها، با این دزدها، با این قاتلها، با این کسانی که چهل سال است ملت فلسطین را شکنجه می‌دهند و نسبت به همه‌ی دنیای اسلام سمپاشی و خیانت می‌کنند و از پشت خنجر می‌زنند و همه یا بیشتر مشکلات دنیای اسلام ناشی از اینهاست، بنشینید مذاکره کنید و امضاء نمایید که بیت‌المقدس و سرزمین فلسطین و جولان متعلق به صهیونیستها باشد!

امریکا در این قضیه چکاره است؟ دولت امریکا به چه مناسبت به خود حق می‌دهد در قضیه‌ی که متعلق به این ملت و این منطقه است، به صورت يك متولی، يك صاحب اختیار و يك قلدر وارد بشود و به این و آن دیکته بکند که چه کار باید بکنید؟! به شما چه؟ شما در قاره‌ی امریکا دست‌اندازی و تجاوز کردید، بی‌اجازه وارد شدید و آدم کشتید؛ آیا بستان نیست؟! در این منطقه‌ی خاورمیانه، دل یکایک آحاد مردم هوشیار و آگاه این ملتها، پُر از بغض و عداوت نسبت به شماست؛ باز نزدیک بیا باید و به گمان خودتان بخواهید مسأله‌ی فلسطین را حل کنید! آیا راه‌حل این است؟! حل مسأله‌ی فلسطین به این است که دولت غاصب متلاشی بشود و از بین برود؛ صاحبان سرزمین بیایند و در آن‌جا حکومت تشکیل بدهند؛ و مسلمان و مسیحی و یهودی و هرچه هستند، با هم زندگی کنند.

شما جوانان بدانید که این گرفتاری دنیای اسلام است. کسی فکر نکند که از دنیای اسلام، تهدید و خطر برطرف شده است. درست است که ما در این دوازده سال پیش رفتیم، مناطقی را در صحنه‌ی سیاسی تصرف کردیم، کارهای زیادی به برکت رهبریه‌های امام بزرگوارمان و پایمردی این ملت انجام شد و ما امروز در دنیا نسبت به سالهای قبل، قویتر، قدرتمندتر و آبرومندتریم و ملت‌های عالم، قدرت و عظمت این ملت را فهمیده‌اند و آن را تأیید کرده‌اند و ما دشمن را به میزان زیادی مایوس کرده‌ایم؛ اما تهدیدها تمام نشده است.

يك عده خیال نکنند که امروز مسأله‌ی کشور ما، مسأله‌ی کم و زیاد فلان جنس، یا فلان امکان است؛ مسأله، مسأله‌ی تهدید اصل انقلاب و اصل نظام اسلامی و اصل اسلام است. امروز مسأله این است که فقط این ملت در مقابل خودکامگی و افزون‌طلبی امریکا ایستاده است؛ این ملت است که حرف می‌زند و نسبت به سیاست‌های دشمنان پُررو و مستکبر افشاگری می‌کند. بنابراین، با این ملت دشمنند.

ما نمی‌توانیم چشممان را ببندیم و نسبت به مصیبت‌های دنیای اسلام و تجاوز دشمنان اسلام، ساکت بنشینیم. این ملت سرباز اسلام است. این ملت برای اسلام قیام کرد و دشمنان اسلام را از این مملکت بیرون کرد و پای امریکا را قطع نمود. ما که از اسلام روبرنگردانده‌ایم؛ اسلام وجود ما و همه چیز ماست. دشمن از این مسأله عصبانی است و علیه ما تهدید می‌کند.

الان شما ببینید، کوچکترین مسأله‌ی که با دستاویز کردن آن بشود علیه جمهوری اسلامی و ملت ایران و دولت



خدمتگزار ما جنجالی در دنیا راه انداخت، استکبار به وسیله‌ی ایادی تبلیغاتی خود، آن دستاویز را می‌گیرد و می‌چسبد و جنجال به راه می‌اندازد. سعی آنها این است که این ملت را متفرق و متشتت کنند و این وحدت را از بین ببرند. سعی آنها این است که این ملت را از آرمانخواهی نسبت به اسلام و ارزشهای اسلامی دچار فراموشی کرده، سرگرم مسائل روزمره‌ی زندگی کنند. سعی آنها این است که این پشتوانه‌ی باعظمت را از اسلام و ملت‌های مسلمان منطقه بگیرند و این توده‌ی مقاوم را متلاشی کنند. دوازده سال است که امریکا و استکبار از این ملت خون دل می‌خورد و می‌خواهد انتقام بگیرد؛ هوشیار باشید.

نظر ما نسبت به مسائل فلسطین روشن و واضح است. ما راه‌حل فلسطین را نابودی رژیم اسرائیل می‌دانیم. نگویند نمی‌شود؛ نمی‌شود در دنیا نیست. همه چیز شدنی است. همه‌ی کوه‌های عظیمی که مانع راه حرکت انسانها باشد، برداشتنی است. چهل سال گذشته است؛ اگر چهل سال دیگر هم بگذرد، عاقبت دولت اسرائیل نابودشدنی است و باید نابود بشود. تا چند صباح قبل از این، هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که ابرقدرت شرق این‌گونه متلاشی بشود. اگر دو سال قبل کسی می‌گفت که ابرقدرت شرق از بین خواهد رفت، عده‌ی فیلسوفانه ریش می‌جنباندند که بله، شما ساده هستید! آن روزی که امام در نامه به گورباچف نوشتند که بعد از این مارکسیسم را باید در موزه‌ها پیدا کرد، عده‌ی پوزخند زدند! دو سال یا سه سال نگذشته بود که آن پیشگویی تحقق پیدا کرد. بعد از درگذشت امام، به یک سال نرسید که همه چیز دگرگون شد؛ چه‌طور نمی‌شود؟

قدرت استکباری امریکا هم از بین خواهد رفت، او هم متلاشی خواهد شد، این قدرت جهنمی ماندنی نیست، اسرائیل هم ماندنی نیست. این، حرف دولت و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است، و همین خواهد شد. این، در سایه‌ی هوشیاری شما ملت و هوشیاری ملت‌های مسلمان عملی خواهد شد. ما باید تلاش کنیم. وظیفه‌ی ما تلاش کردن است.

شما آزادگان، بخصوص با این تجربه‌ی سنگینی که از سر گذرانده‌اید و حالا بحمدالله وارد انبوه اجتماع این ملت شده‌اید، باید هرکدام مثل ستاره‌ی بدرخشید و مظهر و سرمشق و نمونه‌ی وفاداری به آرمانهای اسلام و اصرار بر پیمودن راه انقلاب و کانون روشنگری علیه مطامع استکبار باشید.

از خداوند متعال مسألت می‌کنم که ملت‌های مسلمان را بیدار کند؛ به آنها قوت، شجاعت و قدرت اقدام ببخشد و دولت‌های اسلامی و مسؤولان کشورهای اسلامی را با مردمشان نزدیک کند و آنان را از شر بداندیشان و افتادن به دام توطئه‌های دشمن، در امان بدارد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

(1) انورسادات